

پیش‌نویس محتوای ارائه دانش آزاد و جامعه

با تشکر از همه‌ی کسانی‌که قبل از ما در این زمینه فعالیت کردند و مهم‌تر از همه با تشکر از همه‌ی انسان‌هایی که در سخت‌ترین شرایط اجتماعی برای گسترش دانش آزاد زحمت کشیده و می‌کشند و اساتید عالقدری که در جای جای این دنیا، دانش گران‌بهای خودشان رو به دون هیچ چشم‌داشتی در اختیار مردم قرار داده و می‌دهند.

مقدمه:

دوستان من، یک عده‌ای حالا فرض کنیم شرکت‌های انحصاری، با استفاده از پول و قدرت و رانت‌های قانونی، فضایی رو بوجود آوردن و نخبگان برتر جهانی رو استثمار کردن و از دانش اون‌ها در راستای منافع خودشون استفاده می‌کنن. دوستان، دانش آزاد یعنی راه مقابله با این افراد و شرکت‌ها یعنی ما چیکار کنیم تا نخبگان جهان برای خودشون و برای جامعه‌ی جهانی کار کنن، استثمار نشن، مجبور نشن کارشون رو به مبلغ اندکی بفروشند تا اشخاص دیگری استفادش رو ببرن. دانش آزاد یعنی چجوری میشه کسی که این ور دنیاست و یک دانشی رو نیاز داره، اونور دنیا کسی که نخبه‌س کمکش کنه؟ ممکنه بگید که اینترنت هست اما باید بدونیم که دانش نخبگان در انحصار و بست شرکت‌های سرمایه‌دار هست. دانش آزاد اومده و این فضای بسته و انحصاری رو آزاد کرده. جامعه‌ی جهانی نرم‌افزار آزاد با استفاده از دانش آزاد سیستمی بوجود آورده حداقل در زمینه‌ی نرم‌افزار که در این سیستم، هر نخبه‌ای در هر کجای دنیا می‌تونه به پیشرفت دانش نرم‌افزار کمک کنه. دوستان در ادامه در زمینه‌ی تکنیکی توضیحات کامل‌تر را به شما خواهند داد.

یکی از اهداف این ارائه تشریح دلایل گسترش نرم‌افزار آزاد با توجه به نداشتن سرمایه‌های مالی کلان و حمایت نشدن قانونی و تبلیغاتی است. و برای این کار ما باید ابتدا روح موجود در این جنبش جهانی یعنی دانش آزاد رو بشناسیم پس: هدف دیگر این ارائه معرفی دانش آزاد به عنوان محور اصلی اتفاقات اخیر در زمینه‌ی دانش جهان به‌خصوص نرم‌افزار آزاد است. هدف دیگر اینکه که چکار می‌تونیم بکنیم که سیستم دانش آزاد در جوامع فراگیر شود؟

شروع ارائه:

قبل از اینکه بخوام دانش آزاد رو توضیح بدم لازمه تا شرایط کنونی ارائه‌ی دانش رو در جهان با هم بررسی کنیم. چندتا سؤال از شما می‌پرسم: آیا شما شرایط فعلی آموزش و نشر دانش رو در جهان درست می‌دونید؟ آیا جهان روش درستی رو برای گسترش دانش در پیش گرفته است؟ اغلب شما یا استادی یا در آرزوی استاد شدن، آیا دسترسی همه‌ی مردم به دانش روز جهان رو ممکن یا لازم می‌دونید؟ اگر با ما موافقید که چه بهتر و اگر نیستید توصیه می‌کنم تا پایان این ارائه با ما همراه باشید.

خوب بهتره تا شروع کنیم. اول یک نکته رو باید بگم و اون اینکه ما هدفمون از تحلیل سیستم فعلی دانش در جهان، نشان دادن عیوب این سیستم و لزوم جایگزینیش با سیستم دانش آزاد هست.

بررسی سیستم فعلی دانش در جهان

سیستم آموزشی و گسترش دانش از آن جهت دارای اهمیت زیادی است که بر تمام زمینه‌های جامعه از قبیل فرهنگ، تولید و ارتباطات اجتماعی تأثیرگذار اصلی است.

از این رو نه تنها به سیستم آموزش فعلی جهان می‌پردازیم بلکه فرهنگ و تولید و اجتماعی را که ساخته سیستم آموزشی است بررسی می‌کنیم.

بخش اول: آموزش

رقابت یکی از بزرگترین مشکلاتی است که سیستم آموزش فعلی دارد و دانش آزاد به نحو زیبایی آن را برطرف کرده است.

نداشتن تعریف درستی از استاد واقعی ارزش ندادن به آن‌ها: سیستم آموزشی فعلی مکانیسمی برای تمیز بین استاد واقعی و استادانها ندارد. بدین معنی که کسانی که با تمام توان، برای رشد دانش‌جویان مشتاق یادگیری زحمت می‌کشند را نمی‌تواند از کسانی که فقط به وظیفه خود در چارچوب قانون عمل می‌کنند یا بدتر از آن، کسانی که باعث کندی شدن مسیر رشد دانشجو یا کج شدن آن می‌شوند، جدا کند. بسیاری از این موارد را با چشمان خود دیده‌ایم.

معضل بزرگی که شاید هیچ‌وقت نتوان آن را به درستی حل کرد، در دسترس بودن آموزش یکسان و با بهترین کیفیت برای همه افراد علاقه‌مند است. سیستم‌های آموزشی فعلی بدلیل کم اهمیت محدودیت زمانی و مکانی و دلیل مهم‌تر تجاری‌محور بودنشان نه می‌خواهند و نه می‌توانند تا آموزش با کیفیت را برای همه داوطلبان کسب دانش فراهم کنند. تاکید می‌کنم سیستم فعلی بر مبنای تجارت و کسب سود بیشتر بنا شده است و نمی‌خواهد تا از سیستم‌های آموزش آزاد و رایگان را که می‌توانند گستره بیشتری را تحت پوشش قرار دهند، حمایت کنند پس تنها راه چاره برای اجرای اینچنین پروژه‌هایی استفاده از توان و خواست جامعه برای پیاده‌سازی پروژه‌های آزاد است.

هزینه‌های زیاد آموزشی که بیشتر هم گفته شد، زائیده تفکر منفعت‌گرای گسترش دهنده سیستم آموزشی رایج است. شاید بد نباشد که عنوان کنیم در عصری زندگی می‌کنیم که پرسودترین تجارت در آن، تجارت دانش است. خواه آموزش آن باشد و خواه پنهان کردن و انحصاری کردن آن. دانش‌هایی را که بتوان پنهان کرد، پنهان می‌کنند و دانش‌هایی را که نتوان پنهان کرد (دانش‌هایی که در ارتباط مستقیم با محصولات مصرفی جامعه هستند)، با وضع قوانین مختلف، جلوی استفاده از آن را می‌گیرند.

در یک چنین سیستمی چگونه می‌شود مطمئن بود که دانش مفید و ماثربا به ما یاد می‌دهند یا در صورت یاد دادن هم آنقدر هزینه کسب اینگونه دانش‌ها بالاست که هر کسی قادر به آموختن آن نیست. امروزه اینترنت پر شده از اطلاعات، اما چند درصد از این اطلاعات را واقعاً می‌شود استفاده کرد و از آن کسب درآمد کرد. به جرأت می‌توانم به شما بگویم که جز دانش‌های آزادی که در اینترنت منتشر شده‌اند، از هیچ کدام یک از اطلاعات منتشر شده روزانه در اینترنت، نمی‌توان استفاده مفیدی کرد. اینترنت تبدیل شده به ابزاری صرفاً تبلیغاتی و خبری برای گسترش دادن بازار هدف سرمایه‌داران و فریب اذهان عمومی توسط سیاست‌مداران. در اینجا هم برای تغییر روند فعلی، می‌توان از دانش آزاد و مکانیسم جامعه‌گرای آن کمک گرفت.

یکی دیگر از نقاط ضعف یا بهتر بگویم نکات منحرف سیستم آموزش فعلی جهان، جدا کردن دانش‌جویان و دانش به هر طریق ممکن است. اگر بخواهم واضح‌تر صحبت کنم باید بگویم که دانش و دانش‌جویان در کنار هم، می‌توانند تا از زیر یوق سرمایه‌دارانی که آن‌ها را به استثمار گرفته‌اند و دانش تولیدی آن‌ها را به نفع خود مصادره می‌کنند رها و به خود متکی شوند و این برای هیچ کدام از این برده‌داران نوین خوشایند نیست. از این رو سیستم آموزش را از ابتدا جوری طراحی کرده‌اند که دانشجو را که خالق آینده دانش است، مطیع و فرمانبردار و جدا از دیگران بار بیاورد.

راه حل این مشکل نیز مدت‌هاست که بوسیله‌ی دانش آزاد برطرف شده است اما هیچ رسانه‌ای تا به امروز نگذاشته است که جامعه با این سیستم آشنا شود.

یکی دیگر از مشکلات سیستم آموزش فعلی جهان، استفاده‌گر بار آوردن کسانی است که در این سیستم رشد می‌کنند. شاید یکی از دلایلی که ما سخت‌باور می‌کنیم که کمک به یکدیگر می‌تواند چقدر سودمند باشد همین محیط تربیتی است که از اول در آن رشد کرده و دانش آموخته‌ایم. دانش آزاد به جای استفاده‌گر بودن، ما را تشویق به استفاده‌رسان بودن می‌کند و همیشه تأکید می‌کند که موفقیت شما در سودمند بودن‌تان برای دیگران است.

و در نهایت بزرگترین مشکل سیستم آموزش فعلی جهان یعنی اطلاعات‌گرا بودن. بسیاری از پدیده‌های عصر جدید مانند رسانه‌ها، سیستم‌های آموزشی، سیستم‌های مالی و تکنولوژی‌های تولیدی روزمره، همه و همه ما را به یک سمت سوق می‌دهند و آن اطلاعات‌گرا بودن است. توضیح این مشکل خود همایشی جداگانه را طلب می‌کند اما در حد اختصار باید بگویم آن‌کس که در چرخه‌ی دانش در دنیا اهمیت دارد، خردمند و دانشمند است. سیستم‌های فعلی در دنیا نه آنچنان دانشمند تولید می‌کنند و نه در مرتبه‌ای بالاتر خردمند. تمام تمرکز سیستم‌های فعلی جهان بر هرچه بیشتر کردن اطلاعات ورودی افراد جامعه در درجه‌ی اول و در درجه‌ی بعد، افزایش اطلاعات بی‌فایده نسبت به اطلاعات مفید است. این روند باعث می‌شود تا دسترسی افراد جامعه روز به روز به دانش‌هایی که ارزشمند هستند کمتر شود و مهم‌تر آنکه افراد جامعه به اطلاعات بی‌ارزش عادت خواهند کرد.

سیستم آموزشی امروز جهان در راستای رسیدن به این اهداف فرآیندهایی را طراحی کرده است که در زیر به چند نمونه از آن‌ها می‌پردازیم:

- ۱- فراهم کردن شرایط هر چه سخت‌تر برای ورود به جرگه‌ی اهل دانش
- ۲- تبلیغ کردن هر که در این مکانیسم نباشد بی‌ارزش است
- ۳- مبارزه با کسانی که خارج از این مکانیسم هستند
- ۴- خرید استادان واقعی یا جایگزین کردن آنان با استادان کاذب

امروزه به هر سو که نظر کنیم، جوانی را می‌بینیم که در اندوه موفقیت یا شکست در آزمون بزرگ آموزش است.

آموزش یکی از تاثیرگذارترین عوامل بر زندگی اجتماعی است. خانواده‌ها - جوانان - ازدواج - شغل - رضایت از کار - اعتیاد، همه و همه ارتباط مستقیم با دانش و آموزش آن دارند.

هرچه در یادگیری دانش تاخیر بیافتد، در تشکیل زندگی مشترک تاخیر می‌افتد. هرچه شرایط یادگیری دانش پرهزینه‌تر باشد، نظم شغلی از بین می‌رود و افراد به سمت شغل‌هایی تمایل نشان می‌دهند که یادگیریش گران‌تر است چون درآمد بهتری دارد و این روند نارضایتی از کار را به دنبال دارد چون دانشی را که به آن علاقه داریم کسب نکرده‌ایم و در شغل مورد علاقه‌ی خود مشغول به کار نیستیم.

همه‌ی این عوامل نارضایتی فردی (شکست در آزمون آموزشی - عدم ازدواج به هنگام - نارضایتی شغلی - عدم شغل دلخواه - و مهم‌تر از همه نا هماهنگی با تفکر غالب جامعه) می‌تواند ما را به سمت فرار از واقعیت سوق دهد که یکی از عوامل اصلی کشش به سمت اعتیاد است. همه‌ی این‌ها می‌شود دلایل کابوس خانواده‌ها و جوانان برای شروع یک زندگی موفق.

از مکانیسم کنکور خودمان تا در دسرهای قبولی در آموزشگاه‌های عالی دیگر کشورها. هر کدام را که بنگریم، جوانانی را می‌بینیم که یا از شدت سختی ورود به این مراکز یا گران قیمت بودن آن، از تحصیل دانش ناامید شده‌اند یا زندگی خود را بجای کسب دانش و لذت بردن از آن، فدای قبولی در چنین مراکزی کرده‌اند.

اگر جوانی موفق به ورود در چنین مکانیسم‌هایی شود، بعد از خروج از آن در اغلب موارد مانند همان مکانیسم شده است یعنی تکرار همان روش غلط. این همان چرخه‌ی بسیار خطرناکی است که برای ما طراحی شده است تا ناخودآگاه در راهی قدم برداریم که عده‌ای معدود برای بشریت طراحی کرده‌اند.

چرا باید در عصر تکنولوژی برای یادگیری دانش هزینه‌های گزاف کرد؟
چرا باید شرایط برای آموزش دیدن همه‌ی داوطلبان یادگیری فراهم نباشد؟
چرا جایگاه اساتید واقعی را استاد نماهایی پول و شهرت و مقام پرست تسخیر کرده‌اند؟
این مکانیسم چیست؟

سراغار این مکانیسم رقابت است. بله رقابت، رقابتی که هر روز نیز بر میزان آن افزوده می‌شود. رقابتی که با نزدیک‌تر شدن جوامع به هم بر شدت آن افزوده می‌شود. انگار نمی‌شود دنیا را جور دیگری تصور کرد، همه‌ی مردم باید از سوراخ قیف رقابت عبور کنند تا سعادتمند شوند و هر کسی که از کنار این قیف سرریز کند یا اصلاً برای رد شدن از آن داوطلب نشود، ارزشمند نیست اما آنچه که ما در طبیعت می‌بینیم خلاف آن چیزی است که به ما آموزش داده می‌شود. سوال اول این است که رقابت هدف می‌خواهد و هدف ما از این رقابت دسته جمعی چیست؟ خدای نکرده ما بدون دانستن هدف خود و فقط به دلیل تبعیت از دیگران یا به اصطلاح جوگیر شدن وارد این رقابت می‌شویم یا در حالت دیگر، مکانیسم رقابت هدف خود را به ما آموزش (تلقین) می‌دهد. در صورت پاسخ سوال قبل سوال جدیدی در ذهن ما مطرح می‌شود. آیا می‌توانیم برای رسیدن به هدف خود رقابت نکنیم؟ و در عوض از کمک یکدیگر برای رسیدن سریع‌تر و بهتر به هدف خود استفاده کنیم؟ اصولاً رد شدن از یک فرایند محدود برای وارد شدن به محیطی خاص است، حال این سوال مطرح می‌شود که این همه رقابت وحشیانه برای وارد شدن در چه محیطی است؟

۱- فراهم کردن شرایط هرچه سخت‌تر برای ورود به جرگه‌ی اهل دانش

۲- تبلیغ کردن اینکه هر که در این مکانیسم نباشد، بی‌ارزش است.

۳- مبارزه با کسانی که خارج از این مکانیسم هستند.

۴- خرید اساتید واقعی یا جایگزینی آنان با اساتید کاذب

تفکری وجود دارد تا مردم را از نظر دانش، در سطح مشخصی نگه دارد و دانش‌های بالاتر را فقط در اختیار افرادی قرار دهد که در آن مکانیسم مشغول به فعالیت هستند. دانش‌هایی برای مردم باشد که دیگر ارزش خاصی ندارند، دانش‌هایی که وسیله‌ی منفعت بردن ما از جامعه می‌شود، هرگز نباید در اختیار جامعه قرار بگیرد.

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث پیرامون تولید، مبحث مجوز محصولات تولید شده است. تولیدکنندگان امروزه به هر روشی متوسل می‌شوند تا جامعه و مردم را از استفاده بدون اجازه از محصولاتشان باز دارند. استفاده از برخی از محصولات ساده‌تر است مانند محصولات هنری اعم از فیلم، موسیقی، کتاب و نرم‌افزار و مبارزه با آن سخت‌تر و استفاده از برخی محصولات سخت‌تر مانند تکنولوژی‌های صنعتی از قبیل موبایل و کامپیوتر و غیره و مبارزه با آن راحت‌تر. برای دسته‌ی دوم از وضع قانون استفاده می‌کنند اما برای دسته‌ی اول قانون به تنهایی پاسخگو نیست پس از تبلیغات و فرهنگ‌سازی نیز در کنار وضع قانون استفاده می‌کنند. یکی از این قوانین کپی‌رایت (قانون حمایت از تولیدات) است که اکثر شما با آن آشنا هستید و دیگری قانون نسبتاً جدیدتر و ساکت‌تر از کپی‌رایت، یعنی پتنت (قانون حمایت از ایده‌ها). هر دوی این قوانین اثرات مختلفی بر روی جامعه می‌گذارند که در بخش‌های مختلف به آن‌ها خواهیم پرداخت.

سؤالی که اینجا پیش میاد این است که چرا مردم و جامعه و حتی خود تولیدکنندگان نسبت به یکدیگر، انقدر سعی در استفاده‌ی بدون اجازه از محصولات یکدیگر دارند؟

پاسخ این سؤال به سه قسمت فرهنگی، اجتماعی و تولید تقسیم می‌شود که ما در این بخش به تولید می‌پردازیم.

تولید بر مبنای خواست چه کسی می‌باشد؟
تولید بر مبنای نیاز چه کسی می‌باشد؟
چگونه اطمینان از محصول تولیدی بدست بیاوریم؟
کیفیت محصول چگونه حفظ می‌شود؟
سرعت ارتقای تولیدات چگونه افزایش پیدا می‌کند؟
تولیدات در چه جهتی حرکت می‌کنند؟

تولید امروزه بر مبنای خواست تولیدکننده است، برای جامعه و با کیفیت دلخواه تولیدکننده. سرعت ارتقای تولیدات به خواست تولیدکننده‌ها است، اطمینانی به محصول مصرف‌شده نیست و تولیدات در راستای خواست تولیدکننده گسترش می‌یابد.

...اما چرا اینگونه شده است و راه حل آن چیست؟...

(نقل قول: چراکه هیچ پروژه‌ی قوی و اصولی چه در حوزه فرهنگ سازی و آموزش و چه در زمینه تولید نرم‌افزار بدون پشتوانه مالی به نتیجه نخواهد رسید)
عده‌ای بر این باور هستند که بدون سرمایه و شرکت‌های سرمایه‌دار، دانش آزاد نمی‌تواند توسعه یابد و فقط می‌تواند ابزاری ساده و تفریحی تولید می‌کند.

دانش انحصاری و بسته در تولیدات، چه آسیبی به جامعه وارد می‌کند؟
یک از آسیب‌هایی که دانش انحصاری برای سود بیشتر به جامعه وارد می‌کند، تأخیر در پیاده‌سازی ایده‌های مفید در تمام تولیدات است و هزینه‌ی این تأخیر را فقط جامعه پرداخت می‌کند.
وقتی ایده‌ای مناسب است چه دلیلی دارد تا تمام تولیدکنندگان از آن استفاده نکنند؟ فقط چون سود ثبت‌کننده‌ی اولیه‌ی آن کم خواهد شد؟
وقتی ایده‌ای مناسب است چه دلیلی دارد تا استفاده نشود چون سودزایی به تولیدکننده نمی‌رساند؟
چون صاحب آن ایده ایده‌اش را به تولیدکننده نفروخته است؟

بخش سوم:
فرهنگ

...کپی‌رایت و فرهنگ‌سازی برعکس...

هدف از بوجود آمدن کپی‌رایت، حفاظت از حقوق جامعه بوسیله‌ی حفظ حقوق تولیدکننده‌ها بوده است. به اینکه این قانون از ابتدا توانایی این کار را داشته است یا نه، یا اینکه از ابتدا برای هدفی غیر آنچه نشان می‌داده طراحی شده است یا نه، کاری نداریم.

آنچه امروز مهم است چگونگی اجرای این قانون و گسترش بی حد و حصر آن است.

اثری که تفکر پشت کپی‌رایت بر فرهنگ جامعه وارد می‌آورد از اثرات مستقیم کپی‌رایت مهیب‌تر است.

خود کپی‌رایت توان جمعی را محدود می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا جامعه از قدرت خود برای رسیدن به خواسته‌هایش استفاده کند اما فرهنگ کپی‌رایت خواست جامعه را برای باهم بودن از بین می‌برد.

می‌گویید یعنی چه؟ یعنی به انزوا کشیدن تک تک افراد جامعه آن هم بصورت به ظاهر اخلاقی. من و شما نباید به یکدیگر کمک کنیم، چرا؟ چون کمک کردن ما به هم یعنی پیمالی حقوق یک تولیدکننده‌ی مظلوم و بینوا. آخ آخ دلم کباب شد، سالانه میلیون‌ها دلار تولیدکنندگان برای تبلیغات به نفع، اخلاقی و عقلانی نشان دادن کپی‌رایت در جهان هزینه می‌کنند و در کنار آن هزینه‌های کلان برای تصویب قوانین گسترش‌دهنده‌ی کپی‌رایت، چه صاحبان حق مظلومی.

اصلاً هم به این موضوع فکر نمی‌کنن که این کار اون‌ها چه اثری روی افراد جامعه خواهد گذاشت (که من در قسمت جامعه خواهم گفت کتملاً هم می‌دانند چه می‌کنند و همه‌ی این برنامه‌ها برای کم کردن قدرت جامعه است).

افرادی که یاد خواهند گرفت کمک کردن به دیگران یعنی تجاوز به حقوق دیگری. جامعه‌ای متشکل از اینچنین افرادی را مستقیم باید به زباله‌دان تاریخ فرستاد. نه بهتر است در همین وضع بمانند و تا آخر عمرشان بردگان بی‌جیره و مواجب تولیدکنندگان و انحصارگران شوند.

دانش آزاد به صورت کاملاً علنی به مبارزه با این تفکر می‌پردازد.

انحصار دانش به هر شکلی که باشد اگر نگوییم که بزرگ‌ترین جنایت در حق بشریت است، یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌هایی است که تا به حال صورت گرفته است.

نسل‌کشی فرهنگی یعنی محروم کردن مردم از بدست آوردن دانش، حال به هر وسیله‌ای. خواه می‌خواهد با زور باشد یا با قانون یا با گران‌قیمت کردن دانش یا سخت کردن شرایط دستیابی به دانش.

...این کار مردم رو به استفاده‌ی غیراخلاقی از زحمت دیگران عادت می‌ده. مهم نیست چه توجیهی برای خودمون بیاریم (اعم از دینی و ملی یا حتی اجتماعی) مهم اینه کاری داره انجام می‌شه که اصلاً اخلاقی نیست و جامعه رو به یک زوال مرگ‌بار اخلاقی می‌کشونه، زوالی که اول از همه نابودی دانش‌مندان اون جامعه رو به دنبال میاره و بعد هم تک تک مردم اون جامعه رو نابودی دانش‌مندان یعنی مجبور شدن اون‌ها به ترک جامعه خودشون و خدمت برای انحصارگران و بر علیه مردم.

بخش چهارم:
اجتماع

در ضمن این کار از نظر اجتماعی تولیدکنندگان را به سعی بر دزدی ایده‌های یکدیگر بدون رضایت صاحب آن، تشویق می‌کند

...هزینه‌هایی که انحصار به جامعه و بخصوص به قشر فقیرتحمیل می‌کند...

با این توضیحات، آینده رو چگونه می‌بینیم؟ اثراتی که در صورت ادامه‌ی شرایط کنونی ارائه‌ی دانش بوجود خواهد آمد، چه جهانی برای ما خواهد ساخت؟
تحت این شرایط است که ما نیازمند یک تحول بنیادی در این عرصه هستیم، که به اعتقاد برگزارکنندگان این همایش به وقوع نمی‌پیوندد مگر به دست مردم و با ابزار دانش آزاد. راه رسیدن به این تحول آموزشی-فرهنگی، دانش آزاد است.

...معرفی دانش آزاد...

دانش آزاد روشی است که در آن تولیدکننده‌ی دانش (دانشمند - مخترع - هنرمند - مکتشف)، مصرف کننده‌ی دانش، آموزش دهنده‌ی دانش و حامی دانش مردم هستند. روش کسب دانش همگانی است. روش گسترش علم همگانی است. زنده ماندن دانش وابسته به مردم است. تولیدکنندگان دانش تنها با حمایت طرفداران خود می‌توانند به کار خود ادامه دهند. دانش آزاد تنها به حمایت کسانی احتیاج دارد که جز خود به جامعه‌ی خود هم اهمیت می‌دهند.

دو نوع تفکر در برابر گسترش دانش آزاد قرار دارد:
۱- انحصاری نبودن دانش یعنی تجاوز به حقوق تولیدکننده‌ی دانش و سودآور نبودن تولید دانش که این عمل باعث بی‌میل شدن تولیدکننده به فعالیت برای تولیدات جدید می‌شود پس بیایم تا با حمایت از تولیدکننده‌ی دانش در برابر جامعه باعث رشد بیشتر دانش در جامعه شویم = پارادوکس
۲- دانش آزاد نمی‌تواند درآمد لازم برای امرارمعاش تولیدکننده را فراهم کند و هرکس که دانش را آزاد ارائه دهد یا دیوانه است یا دارد اموال خود را به مردم می‌بخشد. من اگر می‌خواهم تا زندگی کنم پس باید تمام تلاش خود را بکنم تا دانشم را کسی بدست نیاورد یا اگر بدست آورد هزینه‌ی آن را قبلاً دریافت کرده باشم. با این روش من باید دانشم را کم کم در اختیار مردم قرار دهم تا بتوانم پول کافی از مردم دریافت کنم چون کسی مبلغ هنگفتی را یک‌جا به من نمی‌دهد.

... اثراتی که در اثر توجه به دانش آزاد در تمامی حوزه‌ها بوجود می‌آید...

چه بخواهیم و چه نخواهیم یکی از الزامات دانش آزاد کردن مردم از فرهنگ تبلیغات تجاری است.

ما تمام سعی خود را می‌کنیم که شرایط دستیابی به دانش را هرچه بیشتر آسان کنیم: خواه با فراهم کردن شرایطی برای تغییر قانون‌های اشتباه باشد یا با ارزان و آسان کردن شرایط دسترسی به دانش

...راه‌کارهای رسیدن به دانش آزاد در تمامی حوزه‌ها...

در این قسمت الگوی پیاده‌سازی نرم‌افزار آزاد را که همان دانش آزاد است، تحلیل کرده و سعی می‌کنیم راه‌کارهای مدیریت دانش آزاد را بیشتر بشناسیم

بخش اول:

جریان دانش چیست؟ برای شناخت بهتر ابتدا باید تا جریان دانش و انواع آن در جهان را بررسی کنیم سپس مثال‌های واقعی و مجازی آن را در دنیای امروز بررسی می‌کنیم

بخش دوم:

مدیریت دانش چیست؟ گزیده‌ای از سیستم مدیریت دانش را توضیح می‌دهیم تا در ادامه بهتر بتوانیم در مورد مکانیسم دانش آزاد صحبت کنیم

بخش سوم:

مدیریت دانش آزاد: آیا پارادوکس مدیریت و آزادی قابل حل است؟

بخش چهارم:

سیستم مدیریت دانش آزاد چیست؟ پیاده‌سازی تئوری مدیریت دانش آزاد و هماهنگی آن با ارتباطات امروزه مردم در جامعه و سپس پیاده‌سازی تکنولوژیک آن بر بستر اینترنت و کامپیوتر را بررسی می‌کنیم

خیلی از دوستان امروز اینجا هستند تا در زمینه‌ی تکنیکی کار و پیاده‌سازی این روش در یکی از زمینه‌های مهم دانش یعنی کامپیوتر و ارتباطات، اطلاعات مفید و خوبی به شما ارائه بدهند و این باور رو به شما بدهند که ما می‌توانیم، دانش آزاد می‌تواند تا دنیای بهتر و امن‌تری برای ما فراهم کند.

ولی ما به عنوان اولین قدم این نکته رو ضروری دیدیم که بیاییم، دور هم بنشینیم و جریان ارائه دانش رو در جهان رصد کنیم و **تفکر کنیم** به این موضوع که آیا در مسیر درستی هستیم؟ آیا نیاز به تحولی نداریم؟ و اگر پاسخ ما منفی است، راه تغییر این جریان رو پیدا کنیم.

اگر تا اینجا بحث رو با ما موافقید، این‌طور خاتمه بدیم که هر کدام از ما چگونه می‌تواند سهم خود را در ترویج و پیشرفت این مسیر ایفا کند؟

...نقش جامعه و افراد در پیش‌برد دانش آزاد...

آنچه ما وظیفه داریم و می‌توانیم انجام دهیم

بخش اول:

مشارکت‌های فکری

بخش دوم:
مشارکت‌های فیزیکی

بخش سوم:
مشارکت‌های هنری

بخش چهارم:
مشارکت‌های حقوقی

بخش پنجم:
مشارکت‌های مالی